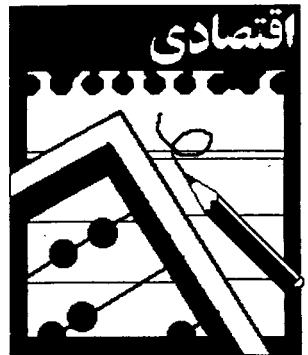


نگاه احمد رضا دالوند به مقوله
برابری، برادری و باقی قضایا!

افشاگری ۱۲۴ میلیارد تومانی و سکه ۳۵ هزار تومانی



چه ارتباطی است بین رسیدن قیمت سکه بهار آزادی به ۳۵ هزار تومان با برداشت غیرقانونی حدود ۱۲۴ میلیارد تومان از دو شعبه بانک صادرات؟

آیا می‌توان بین عملکرد مدیران سابق بانک تجارت با رسیدن بهای هر دلار به فراتر از سیصد تومان در خارج از شبکه بانکی و صرافی‌ها رابطه‌ای برقرار کرد؟

ریشه‌های لجام گسیختگی تورم، افزایش تعطیل ناپذیر قیمت‌ها، بدهی خارجی، ناتمام ماندن طرح‌های عمرانی و رشد نگران‌کننده نقدینگی را می‌توان در مواردی نظیر ماجرای استیضاح وزیر معادن و فلزات جستجو کرد؟

اگر قرار باشد هر پدیده‌ای را از دیدگاهی تجزیدی مورد بررسی قرار دهیم، و اقتصاد را صرفاً در چهارچوب قانونمندیهای علم اقتصاد ملاحظه کنیم، و اقتدار قوه قضائیه را محدود به مجازات مرتکبان عادی جنحه و جنایت بدانیم، و حوزه مسئولیت قوه مقننه را فقط در تصویب قوانین و تبصره‌ها بدانیم... در این حالت نمی‌توان تورم، گرانی و سایر گره‌های کور اقتصاد را در محدوده‌ای خارج از تعاریف ارائه شده در مکتب‌های مختلف اقتصادی جستجو کرد.

اما...

اما اگر به این نکته توجه کنیم که ظاهراً اکنون بنابراین است که عملکرد مسئولان بخش‌های کلیدی امور اقتصادی نباید هرگز زیر سؤال برود، و اگر رفت از

حد سؤال تجاوز نکند، و کار به محاکمه و محکومیت نرسد، آنگاه است که در خواهیم یافت اساس بسیاری از نابسامانیهای اقتصادی کشور ما معلول همین نکته است که بر افتضاحات مالی پرده کشانده می‌شود، و اگر افتضاحی، به هر دلیل، از پرده برون افتاد، کمتر می‌توان انتظار داشت محاکمه‌ای در کار باشد، و یا اگر هم محاکمه‌ای در کار بود، کار به مجازات خطای برسد.

راستی را... آیا متهمان پرونده شرکت وداد که محاکمه و محکوم هم شدند، به مجازات رسیدند؟ جز این است که از ماجراهای مربوط به شرکت‌های مضاربه‌ای آنچه باقی مانده فقط صدای ناله ضعیف سپرده‌گذارانی است که گاهی می‌پرسند: بالاخره تکلیف پولهای ماچه می‌شود؟ و مگر نه این است که افکار عمومی از نتیجه بررسی در مورد فراوان پرونده‌های مربوط به سوء استفاده، اختلاس، رشوه‌خواری و حیف و میل بودجه و اموال عمومی بی‌خبر مانده است؟

سرمایه امنیت می‌طلبد

فضای مناسب برای گردش سرمایه‌ها و حرکت آنها به سوی فعالیت‌های مولد، چنان فضایی است که باید یک حداقل اطمینان بر آن حاکم باشد، و قانون بی‌هیچ استثنائی با همه کسانی که این اطمینان را متزلزل می‌کنند برخورد قاطع داشته باشد. اما این فضا اکنون در کشور ما سرشار از سوءظن و بی‌قاعدگی شده است و اگر تا دیروز صحبت از سوء استفاده و تخلف افراد غیرمسئول و یا سازمانهای غیررسمی و یا بنیادهایی که بنیان آن را افرادی تشکیل می‌دادند که خارج از محدوده دارندگان پست‌های کلیدی قرار داشتند، اینک مباحث مربوط به سوء استفاده‌های کلان و نجومی به افرادی برمی‌گردد که خود باید حافظان امنیت سرمایه و مبارزان اصلی علیه فساد و ناراستی باشند.

نیز، اگر تا دیروز مطبوعات بودند که گاهی در حد توان خود پرده از پاره‌ای ناراستی‌ها برمی‌گرفتند، اینک صحنه مجلس شورای اسلامی عرصه افشاگری‌های تکان‌دهنده است. و تکان‌دهنده‌تر از این افشاگریها؛ نحوه بسته شدن پرونده‌هایی است که درباره سوء استفاده کنندگان گشوده می‌شود.

مرور بر ساختار و عملکرد شبکه بانکی ایران

آخرین پرونده‌ای که در این مورد مطرح شد مربوط به برداشت یک رقم نجومی از دو شبکه بانک صادرات بود و چون بانک در عرف اقتصاد، مرکز ثقل گردش امور مالی است، نخست لازم است نگاهی به ساختار بانکهای ایران و عملکرد آنها بیندازیم.

شبکه بانکی ایران بدان خاطر که عنوان بانکداری اسلامی را یدک می‌کشد علی‌القاعده باید متکی بر نظامی باشد که پس‌اندازها و سرمایه‌های مردم را جمع‌آوری کند، و آنگاه این وجوه را در چهارچوب سیاست‌های خرد و کلان اقتصادی کشور که از سوی دولت و قوه مقننه تعیین می‌شود برای توسعه فعالیتهای صنعتی، کشاورزی و خدماتی به جریان اندازد.

این شبکه مؤکداً از فعالیتهای ربوی که منجر به تکاثر ثروت می‌شود منع شده و موظف است اندوخته‌های مردم را به قائم مقامی ایشان و به عنوان نوعی مشارکت در پروژه‌های اقتصادی به کار اندازد و از سود حاصل، بخشی را به سپرده‌گذاران بپردازد و سهمی را نیز برای تأمین هزینه‌های خود، و سود فعالیتهای خویش منظور کند.

در مورد ماهیت نظام بانکداری اسلامی، و چگونگی فعالیتهای آن گزارشی تحت عنوان (بانکهای ایران: اسلامی یا غیر اسلامی؟) در شماره ۴۰ ماهنامه (خرداد ۱۳۷۳) چاپ شد. لذا علاقمندان به آگاهی بیشتر در این زمینه می‌توانند به آن مراجعه کنند. بنا به تعاریفی که در همان گزارش

آمده، برداشت از ثمره فعالیت شبکه بانکی ایران قاعدتاً باید این باشد که مقررات حاکم بر این شبکه چنان است که اقتصاد ایران از عوارض مخرب و فسادهایی که از نظام بانکداری غیراسلامی بر اقتصاد کشورها تحمیل می‌شود، مصون است و حاصل عملیات مالی بانک‌های ایران که ضمناً تحت نظر و اداره مستقیم دولت، و در مالکیت آن نیز هستند در جهت رشد اقتصادی و شکوفائی فعالیتهای نیروهای خلاق جامعه برای توسعه امور صنعتی، کشاورزی و خدماتی مصروف می‌شود. اندکی پس از پایان جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، و همزمان با شروع اجرای برنامه اول توسعه اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی، یکی از مواردی که نقطه عطف در کارنامه عملکرد اقتصادی جمهوری اسلامی محسوب می‌شود، بازگذاشتن دست شبکه بانکی کشور برای جذب سرمایه‌های پراکنده در سطوح مختلف اقشار اجتماعی بود.

در آن زمان چنین توجه می‌شد که وجود حجمی انبوه از نقدینگی در اجتماع، و بکار افتادن این وجوه در کارهای غیر مولد و غالباً واسطه‌گری از عوامل اصلی تورم و از ترمزهای رشد اقتصادی است.

با توسل به همین توجه بانکها آزادی یافتند برای جلب هر چه بیشتر سرمایه‌های عمومی دست به هر اقدامی که صلاح می‌دانند بزنند.

و آنها هر چه توانستند کردند تا پس‌اندازهای مردم را جذب کنند: تبلیغات گمراه‌کننده، وعده جوایز حیرت‌انگیز، و پرداخت سودهای کلان بخشی از عملکرد بانکها برای جذب پس‌اندازها بود که به موفقیت هم انجامید و حجم عظیمی از نقدینگی مردم روانه حسابهای پس‌انداز قرض الحسنه شد.

طبق ضوابط بانکداری اسلامی ایران، این پس‌اندازها می‌باید در راه فعالیتهای تولیدی و عمرانی به کار انداخته می‌شد، اما عملاً این سرمایه‌ها در اموری به مصرف رسید که تورم را

چه کسانی در مورد پرونده‌های سوء استفاده‌های کلان حق و تو دارند؟

تشدید کرد، نابرابری‌های اجتماعی را دامن زد، زمینه را برای فساد مالی متعدد ساخت و تجارت، دلالتی و فعالیت در بازار سیاه را رونق بیشتری بخشید. باگذشت هفته‌ها، ماه‌ها و سال‌ها رفته رفته اخباری از گسترش زد و بنای‌های بانکی در رسانه‌های مکتوب منتشر شد: ابتدا جسته گریخته و در مورد شعب فرعی بانکها و روسای درجه سه و چهار و سوء استفاده کنندگانی نه چندان با اهمیت، و سپس در سطحی گسترده، و با همراهی نامهای شناخته شده و مطرح...

هشدار می‌که نادیده گرفته شد

نخستین مورد از این دسته سوء استفاده‌های هنگفت به عده‌ای از اعضای هیأت مدیره سابق بانک تجارت منتسب شده بود. گرچه کوشید شد ماجرایی این سوء استفاده از اکار عمومی مخفی نگه داشته شود، اما موضوع در جامعه انعکاس یافت و خبرهایی در مورد برداشتهای هنگفت و خارج از ضابطه، انتقال ارز و... به رزرها رسید.

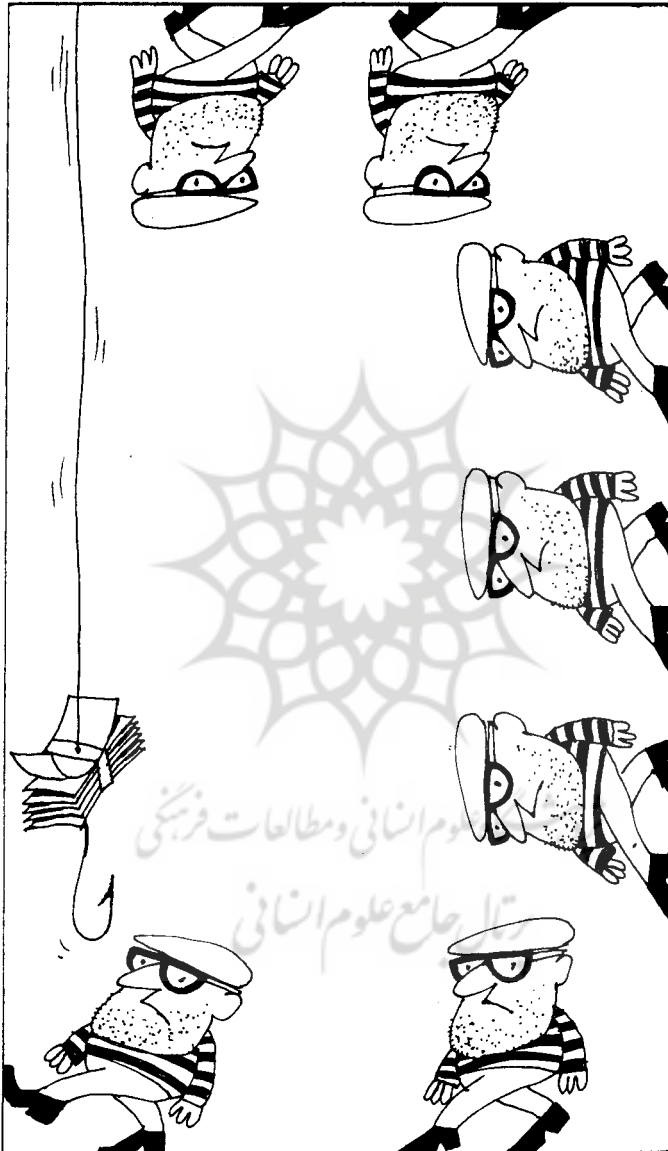
دکتر عادل رئیس وقت بانک مرکزی در جلسه‌ای که با هدف معرفی مدیرعامل جدید بانک تجارت تشکیل شده بود خطاب به مدیران ارشد این بانک گفت: «شما باید تلاش کنید تا آبروی از دست رفته را دوباره به دست آورید. از شما توقع داریم که در مدت کوتاهی بتوانید با مدیریت مدتی آقای خطیب مشکلات را رفع نموده و تسویه جدیدی از فعالیتهای بانک تجارت بسازید.»

وقتی رئیس بانک مرکزی ما برای اتفاق افتاده در بانک تجارت را یک

آبروریزی می‌خواند، پرواضح است که ابعاد ماجرا بسیار وسیع و هشدار دهنده بوده است.

گرچه تا این زمان از چگونگی، میزان و ابعاد سوء استفاده و سوء مدیریت در آن ماجرا اطلاعات دقیقی منتشر نشده، اما هنوز در محافل مالی و

وسیع، ضربتی و همه جانبه را در مورد عملکرد کل سیستم بانکی کشور به مرحله اجرا گذاشت. اما چنین نشد و ماجرا در بوته اجمال ماند تا بار دیگر، و این بار در ابعادی حیرت‌انگیز پرده از یک سوء جریان بانکی برداشته شد. به فرازهایی از سنوهای آقایان



اقتصادی راجع به آن مطالبی گفته می‌شود که معلوم نیست کدام قسمتها از واقعیت مایه می‌گیرد، و کدام بخشها ریشه در شایعات دارد.

هر چه هست، ماجرای بانک تجارت را در همان زمان می‌باید به عنوان هشدار در زمینه جریانات حاکم بر امور بانکی تلقی کرد و یک بازرسی

آستانه و سبحان‌اللهی نمایندگان مجلس شورای اسلامی از وزیر اقتصادی و دارائی که در جلسه روز سه‌شنبه بیستم دی ماه مجلس عنوان شد، توجه کنیم:

۱- موضوع و علت اختلاس، سوء استفاده و کلاهبرداری در شعبه بانکهای ۲۰۷ و ۳۶۱۶ بانک صادرات ایران چگونه و چقدر بوده است؟ چه عواملی در

شکل‌گیری آن نقش داشته‌اند؟

۲- دانشدگان حسابهای جاری ۱۳۶۴، ۱۹۷۰، ۱۶۴۷، ۲۰۰۰، ۲۰۱۳ در شعبه ۲۰۷ تجریش و مسئول وقت شعبه ۳۶۱۶ شهید هادی پور بانک صادرات ایران چه کسانی بوده‌اند؟ هر کدام چه مبلغ برداشت غیرقانونی داشته‌اند؟ از چه تاریخی برداشتهای غیرقانونی شروع شده؟ این نوع غارت و چپاول بیت‌المال چه تأثیرات سونی در اقتصاد مملکت به جای گذاشته است؟

۳- افراد فوق با پولهای اخذ شده چه فعالیت‌هایی را دنبال کرده و چه اختلالی را در نظام ارزی، پولی و بانکی کشور ایجاد نموده‌اند.

۴- با توجه به وقوع جرم و کشف جرم در سال ۷۱ علت مخفی نگه داشتن آن چیست...؟

وزیر اقتصادی و دارائی به این سوالات پاسخهایی می‌دهد که نفی کننده اصل پرسشها نیست و به عکس، وقوع رویدادها را تأیید می‌کند؛ ایشان می‌گویند: «خلاصه ماجرا به این ترتیب هست که در سال ۷۱ در یکی از شعب بانک صادرات کسی که متصدی چکهای رمزار بوده (چکهای رمزار بانکی معمولاً بین بانکها عمل می‌شود) تبانی می‌کند با دو نفر از مشتریانی که کلاهبرداری کردند و در طول ۱۰ ماه همین تعدادی که جناب آقای آستانه فرمودند چکهایی را به حساب می‌گذاشتند و مسئول بانک قبل از اینکه این چکها را وصول بکند پول پرداخت می‌کرده و با فاصله ۳ تا ۶ روز و بعضاً ۸ روز این پول واریز می‌شده...» (برای آگاهی از مشروح بیانات ایشان می‌توان به روزنامه‌های ۲۰ و ۲۱ دیماه مراجعه کرد). اما همین پاسخها هم از نظر سوالکنندگان قانع کننده تلقی نمی‌شود و یکی از ایشان می‌گوید:

«... رفقی که این آقایان اختلاس کردند، سرجمع این ۵۴۱ فقره برداشت غیرقانونی بیش از ۱۲۳ میلیارد و ۹۰۰ میلیون تومان است...»

در سال ۷۱ دلار شما ۱۲۲ تومان بوده، با این پول می‌شود بیش از یک میلیارد دلار ارز خرید و فروش کرد، چرا

دلار شما ظرف یک سال و نیم به چیزی بالغ بر ۲۸۰ تومان می‌رسد؟ این وضعیت تورم که شما در بازار می‌بینید معلول چه علت‌هایی است؟ چه کسی باید به وضعیت اقتصادی و وضعیت نابسامانی که در سیستم بانکی هست رسیدگی کند؟ در اینجا عواملی در داخل بانک می‌آیند کمک کنند، مثل مسئول محترم حراست که در این ماجرا واقعا کمک کردند قربانی می‌شوند، و افرادی که با ایشان همکاری کردند یکی یکی از مصدر امور کنار می‌روند.

چه کسانی حق و تو دارند؟

فساد مالی در همه جای دنیا وجود دارد و روزی نیست که خبر از کشف فساد دولتمردان یک کشور متمدن و پیشرفته یا جهان سومی در رسانه‌های گروهی منعکس نشود. اما معمولاً در دنباله این خبرها خواننده و یا شنیده می‌شود که کابینه‌ای همراه این رسوائی سقوط کرده، وزیری به محاکمه کشانده شده و یا مردان مقتدری از اریکه قدرت به پشت میله‌های زندان انتقال یافته‌اند. اما در ایران، افشاگری در مورد فساد مالی با موجی از هیجانی زود گذر آغاز می‌شود، و با فریادهایی گم‌شده در باد خاتمه می‌یابد.

در همین جریان برداشتهای غیرقانونی از دو شعبه بانک صادرات کلمات و جملاتی مطرح شده است که آدمی را نسبت به سلامت اخلاقی جامعه و حفظ حریم قانون مشکوک و نگران می‌کند.

گفته شده است یکی از اشخاصی که در این سوءاستفاده کلان دست داشته به خارج از کشور رفته است. او را به ایران بازگردانده‌اند و گویی با شخص شرافتمندی طرف هستند، با او به مذاکره نشسته‌اند و محترمانه او را متقاعد کرده‌اند قسمتی از «دیون» خود را بپردازد. وی مبلغی را پرداخته و بار دیگر از ایران خارج شده است! ظاهراً یک سال در خارج از کشور قربان صدقه این فرد «شرافتمند» می‌شوند تا او رضایت می‌دهد دوباره به ایران باز گردد. و البته اگر بتوان حرفهای آقای

وزیر امور اقتصادی و دارائی را مورد استناد قرار داد، وی اکنون «تحت الحفظ» است. توجه فرمائید که وی تحت الحفظ است و نگفته‌اند که وی در زندان است، یا حتی در بازداشت موقت به سر می‌برد. حال بار دیگر فرازهائی از سخنان

مجازات مجازات نمی‌شود مجرم در انجام جرم جری تر می‌شود. و اگر مجرم باور کند که در کوچکترین جرم مجازات می‌شود بسیاری از جرائم در تمام سطوح کاهش پیدا می‌کند. این چه وضعی است زمانی که جرم اتفاق می‌افتد ما می‌بینیم که جلسه‌ای در دفتر آقای مدیرعامل [بانک]



آقای آستانه نماینده مجلس را مرور می‌کنیم: **دکشف جرم در ۷۱/۱۱/۱۳ است. اما زمانی که حسابرس به آن بانک می‌رود در برج ۴ سال ۷۲ این کار صورت می‌گیرد. از من تقاضا شد که از بردن اسامی افراد پرهیز کنم. اگر در این مملکت به قانون عمل نشود [و] در این مملکت خاطی باور پیدا کند که بعد از انجام جرم به اشد**

بنیادهای دنبال کردیم که کارمندان بانک را ممنوع الخروج بکند. آقا مگر این مملکت قانون ندارد که آن حراست باید ممنوع الخروج بکند. مگر دستگاه قضائی نیست. مگر وزارت اطلاعات نیست؟ به آن نهاد چه ارتباطی دارد؟...

آقای آستانه به عنوان یک نماینده مجلس که نسبت به قانون هم بیگانه نیست از «جرم» «مجرم» و «مختلس» سخن می‌گوید. نمی‌توان گفت ایشان از بار حقوقی این اصطلاحات آگاه نیست و فقط از سر احساسات این سخنان را بر زبان آورده است. اما چرا باید ایشان از بردن اسامی «مجرمین» منع شود؟ چرا «مختلسین» باید با مدیرعامل بانک و «بعضی از مقامات» به مذاکره بنشینند و چانه بزنند و چرا باید علیرغم عظمت جرمشان در آن حد آزاد باشند که بتوانند از کشور خارج شوند؟

چرا این است که بپذیریم کسانی در این قبیل ماجراها اعمال نفوذ می‌کنند که از نوعی حق و تو در جریانات سوء استفاده‌های مالی هنگفت برخوردارند و اگر کسی صاحب چنین حقی نیست پس چه عاملی وجود دارد که اجازه می‌دهد کسانی مرتکب نزدیک به ۱۲۴ میلیارد تومان سوء استفاده مالی شوند و حتی جامعه حق نداشته باشد از اسامی آنان آگاه شود؟

ایکاش یک کابوس باشد

آمار سوء استفاده و اختلاس بقدری هنگفت است، و شیوه برخورد با چنین فساد گسترده‌ای چندندان سهل‌انگارانه و همراه با پرده‌پوشی است که هر انسان علاقمند به آینده این آب و خاک و انقلابی را که در سال ۵۷ خیل عظیمی از انسانها برای به ثمر نشتنش جان بکف گرفتند به داشتن این آرزو متقاعد می‌کند که ایکاش آنچه شنیده و خوانده فقط یک کابوس باشد.

چنین آدمی حتی آرزو می‌کند مواردی چون استیضاح وزیر معادن و فلزات یک کابوس بوده باشد و نه واقعیتی که در عالم حقیقی، و در صحن مجلس شورای اسلامی اتفاق افتاده است.

رسوایی‌های مالی با فریادهائی گمشده در باد خاتمه می‌یابد

فلزات به پرسشهای نمایندگان پاسخهایی داد که مستقیماً از رادیو پخش شد و روز بعد در مطبوعات انعکاس یافت. در همان ساعتی که مذاکرات مربوط به استیضاح مستقیماً از رادیو پخش می‌شد کسانی بودند که می‌گفتند ایکاش چنین مواردی اگر قرار باشد به

علنی باشد، عده‌ای از نمایندگان دچار محظوراتی خواهند شد! و جالب است که عده‌ای از نمایندگانی که تقاضای رأی‌گیری مخفی کرده بودند، به دلیل نامعلومی امضاهای خود را پس گرفتند و رأی‌گیری با گلدان انجام شد.

این موضوع حقیقت داشته باشد یا نداشته باشد، فرقی در نتیجه آن استیضاح ندارد. چون استیضاحی در کار نبوده است؛ رأی‌گیری برای این بوده که استیضاح مطرح شود یا نه، و به هر حال جواب نه بوده است.

شایعات آغاز می‌شود

یک سلسله برداشتهای غیرقانونی به مبلغ نزدیک به ۱۲۴ میلیارد تومان از فقط دو شعبه یکی از بانکها انجام می‌شود... ۹۸ نماینده مجلس رأی به طرح استیضاحی می‌دهند که در آن ۲۴ مورد تخلف و سوء استفاده به یک وزارتخانه نسبت داده می‌شود...

و مدعیان این دو ماجرا نمایندگان مجلس هستند که مدارک مستندی ارائه می‌دهند،

اما نتیجه چه؟

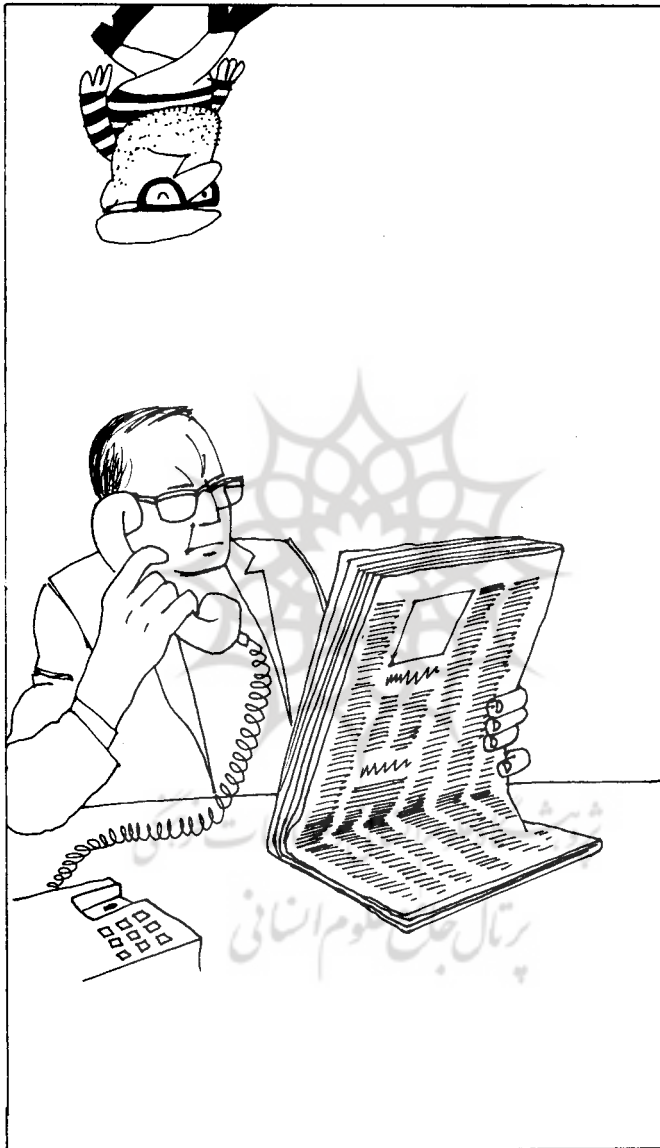
- استیضاح منتفی می‌شود

و...

و سؤال نمایندگان در مورد برداشت غیرقانونی حدود ۱۲۴ میلیارد تومان از دو شعبه بانک به کمیسیون اصل ۸۸ و ۹۰ ارجاع می‌شود و روزنامه‌ای می‌نویسد:

دروزی که بحث بر سر سوء استفاده از بانک صادرات در صحن مجلس مطرح بود و آقای محمد خان وزیر محترم اقتصاد و دارائی به سؤال نمایندگان در این رابطه پاسخ می‌داد، در بین نمایندگان اسامی آقای فاضل خداداد و مرتضی رفیق دوست و همسر وی نیز از میان ۵ نفر متهم این پرونده نام برده می‌شد. و به همین مناسبت بعضی از نمایندگان نام این پرونده را رفیق گیت گذاشته بودند.

● براساس اطلاعات واصله اموال آقایان شکرریز سرپرست شرکت ملی فولاد [که وزیر معادن و فلزات هنگام جویاگویی به استیضاح از ایشان دفاع کرده بود]، بانکی رئیس سازمان صنایع ملی (که ایشان معاون سابق آقای شکرریز نیز بوده‌اند) و دکتر... یکی از پزشکان شاغل در شرکت ملی فولاد توسط دادستانی دیوان محاسبات کشور توقیف شده است. خبر فوق اخیراً در یکی از بولتنهای مهم کشور نیز درج شده



در آن استیضاح که ۱۹ نه بنده مجلس آن را امضاء کرده بودند ۲۴ مورد تخلف و سوء استفاده به وزارت معادن و فلزات منتسب شده بود که تعدادی از آنها از این قرار است:

● با عنایت به استاندارد جهانی رأی ایجاد واحدهای مشابه فولاد مبارکه که حدود ۱۱۰۰ دلار برای هر تن ورق بوده چرا در فولاد مبارکه این رقم به ۲۶۰۰ دلار می‌رسد؟

● دلیل خرید کویل از طریق انعقاد قرارداد به مبلغ ۱۰/۱۱۴/۲۵۲ دلار فروش آن در بازار آزاد و خرید مجدد به قیمت بالاتر چه بوده است؟

● علت واگذاری امور مربوط به مدیریت و نظارت به SSO به مبلغ ۱۵ میلیون دلار چه بوده است؟

● علت عدم برگزاری مناقصه برای قراردادهای معدن سه چاهون جمعاً به مبلغی بیش از ۷ میلیارد ریال چیست؟
● دلیل پرداخت‌های متعدد به ذیحسابی شرکت ملی فولاد و استخانی و مدیران عامل و فدراسیونهای ورزشی از محل طرحهای معادن چیست؟

● دلیل انعقاد قرارداد با اقم و خوشاوندان به قیمتهای نامعقول چیست؟
● دلیل ایجاد دموارژ به مبلغ بیش از ۱۰ میلیون دلار چیست؟

● دلیل فروش سهمیه ارزی شرکت ملی فولاد چیست؟

● دلیل پرداخت‌های بلاعنوانی و رایگان در سالهای ۷۰ لغایت ۷۲ به مبلغ بیش از ۷۲ میلیارد ریال چیست؟
● دلایل واگذاری عملیات فروش محصولات ذوب آهن به بعضی از شرکتهای فاقد صلاحیت چیست؟

روز چهارشنبه ۲۳ آذر مجلس با این استیضاح رسیدگی کرد. وزیر معادن و

نتیجه‌ای نرسد در جلسات غیرعلنی بررسی شود؛ زیرا به باورهای عمومی خدشه کمتری وارد خواهد شد. کسانی که چنین امیدی را ابراز می‌کردند همچنین می‌گفتند سرنوشت این استیضاح منوط به نحوه رأی‌گیری است، زیرا اگر رأی‌گیری مخفی انجام شود رأی به زبان وزارت معادن و فلزات خواهد بود ولی اگر رأی‌گیری به صورت

نتیجه رأی‌گیری را چنین اعلام کردند: از تعداد ۲۰۴ رأی ۹۸ رأی موافق استیضاح، یعنی ۵ رأی کمتر از نصابی که برای طرح استیضاح لازم بود.

بعداً گفته شد علی‌رغم اینکه عده حاضران در صحن جلسات هنگام رأی‌گیری ۲۰۴ نفر بوده است، اما تعداد آرای بیرون آورده شده از گلدان رأی‌گیری ۲۱۷ رأی بوده است!

کشف جرم سال ۷۱، شروع رسیدگی سال ۷۲، افشاگری سال ۷۳؛ نتیجه سال؟

است. (سلام ۲۲ دی ماه)،

پرده می افتد

پرده می افتد و داستان نیمه تمام رها می شود.

تا زمان زیر چاپ رفتن این شماره ماهنامه (۷۳/۱۰/۲۷) هیچ خبر جدیدی در زمینه برداشت غیرقانونی حدود ۱۲۴ میلیارد تومان از دو شعبه بانک منتشر نمی شود و هیچ مقامی در این زمینه توضیح جدیدی ارائه نمی دهد. مردم و

افکار عمومی قانع نشده اند. فضائی که برای گردش صحیح سرمایه ها لازم است ایجاد نشده است. ریشه های فسادهای مالی و اداری نخشکیده است. کسی نگفته است برای مهار زدن بر این سوء استفاده های عظیم چه تدبیری اندیشیده شده، یا خواهد شد.
آیا حق وتویی در کار است؟
یا این که باید گفت (و امیدوار بود که چنین است):
- طرح چنین مواردی در جلسات

علنی مجلس و در صفحات مطبوعات مقدمه ای است برای برخورد با فساد و سوء استفاده در سازمانهای اداری، مالی و بنگاههای اقتصادی
آرزو کنیم چنین باشد. وگرنه سال آینده در همین ایام خواهیم شنید (یا خواهیم خواند) سکه بهار آزادی به مرز ۵۰ هزار تومان رسید. و هر دلار بالای ۴۰۰ تومان خرید و فروش می شود، تورم غیر قابل تحمل شده، اقتصاد به انتهای کوجه بن بست رسیده و...

یک نامه و یک نتیجه گیری

بخش دوم: جای خالی رفتارهای قانونمند

آقای ابوالقاسم حکیمیان رئیس روابط عمومی بانک تجارت و مدیر مسئول نشریه تجارت در نامه ای به «گزارش» که با هدف نقد مطالب ماهنامه ارسال کرده، می نویسد:
احتراماً، ضمن تشکر از ارسال ماهنامه شماره ۴۵ و ۴۰ آن نشریه و اظهار مراتب تقدیر و سپاس به خاطر درج مقالات اقتصادی، علمی و اجتماعی بسیار ارزنده در این نشریه و زین نظرات اجمالی خود را در ارتباط با مقالات مؤسسات اعتباری غیربانکی که در شماره ۴۰ آن نشریه درج گردیده بود به شرح پیوسته به استحضار می رساند و خاطر نشان می سازد این نظرات کاملاً جنبه شخصی داشته و نظرات بانک تجارت نمی باشد.

انسان همیشه برای دستیابی به رشد و توسعه اقتصادی، در تکاپویی علمی و عملی بوده است تا در این راستا با به کارگیری نیروهای بالقوه و بالفعل به حداکثر بهره وری دست یابد.

اخیراً در جامعه اسلامی مان مطالعات و پژوهشهایی پیرامون بهبود فعالیتهای اقتصادی و بانکی صورت گرفته و در این ارتباط گردهماییها، کنفرانسها و سمینارهای متعدد برگزار و مقالات، گزارشها و کتابهای گوناگونی به رشته تحریر



در آمده است.
آنچه مسلم است، در اجتماع ما تمام حرکتهای امور اقتصادی هدفمند و مجاز، به نحوی در ارتباط با بانک مرکزی مطرح می شوند؛ زیرا اصلح آن است که دولت و بانک مرکزی تماماً سیاستهای کلان مملکت را تعیین و مشخص نمایند و با توان هرچه بیشتر ناظر بر عملیات ارکان بازار پول و سرمایه کشور باشند.
یکی از فعالیتهایی را که بانک مرکزی می تواند مشوق آن باشد، تشکیل بانکهای سرمایه گذاری است که اصطلاحاً بانک خوانده می شوند ولی نه حساب جاری دارند و نه حساب پس انداز. اما سرمایه آنها نسبتاً بالا است و می توانند قسمت عمده ای از سهام یا اوراق قرضه پذیره نویسی شده را در صورت لزوم - خریداری نمایند.
ایستگونه مؤسسات به عنوان یک دستگاه پذیره نویس، پیشرفتی نداشته و فقط به عنوان کارگزار عمل می نمایند.
آنچنان که از آمارها برمی آید برنامه ایجاد مسکن دولت طی برنامه پنج ساله اول موفق نبوده و کمتر از ۶۰ درصد از انتظارات واقعیت پذیرفته است.
به نظر اینجانب فعالیتهای اینگونه مؤسسات بایستی در اموری از قبیل مسکن و راهسازی متمرکز شود، بدین منظور بانک مرکزی می تواند در هر استانی تشکیل صندوقهای اعتبار مسکن و فعالیتهایی نظیر آن را مجاز گرداند، به شکلی که عملیات صندوق هر استان، مخصوص همان استان باشد و صندوقها